

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آنتون وسلوف (ANTON VESELOV)

برگردان: ا.م. شبیری

۲۸ اکتوبر ۲۰۲۳

چرا اعراب دوباره شکست خواهند خورد؟



اسرائیل و امریکا از درگیری‌ها و خصومت‌های بی‌پایان در جهان عرب نهایت استفاده را می‌برند

تشدید درگیری کنونی اعراب و اسرائیل را بسیاری‌ها با جنگ ۱۹۷۳ مقایسه می‌کنند؛ کارشناسان مختلف اکنون به انتشار سناریوهای آخر الزمانی در مورد توسعه اوضاع شروع کرده‌اند. «محاسبات» آن‌ها بر این اساس استوار است که جهان اسلام و کشورهای عربی به عنوان بخش تفکیک‌ناپذیر آن دارای چنان ظرفیت‌های کامل انسانی، اقتصادی و نظامی هستند که هیچ شانس برای پیروزی دولت یهود در یک جنگ بزرگ باقی نمی‌گذارد. در بیست و ششمین جلسه اتحادیه کشورهای عربی در ۲۹ مارچ ۲۰۱۵، سران کشورهای این سازمان با ایجاد نیروهای مسلح واحد منطقه‌ای برای مقابله مشترک با تهدیدات امنیتی موافقت کردند. اما، موافقت به معنای تحقق آن نیست.

اگر صرفاً به اعداد و ارقام تکیه کنیم، مطمئناً این می‌تواند الهام‌بخش تندروان اسلامی و هواداران آن‌ها باشد. با این وجود، همانطور که عمل نشان می‌دهد، آمار، شبه‌علم است و در سیاست واقعی، اگر باقی بماند، کلید. این دقیقاً پاسخ یک کلمه‌ای اسپارتی‌ها بود به درخواست پادشاه مقدونیه فیلیپ دوم (سال‌های ۳۸۲-۳۳۶ قبل از میلاد)، پدر سردار

اسکندر مقدونی: «تسلیم شوید، زیرا، اگر اسپارت را به زور بگیرم، باغ‌های شما را بی‌رحمانه ویران می‌کنم، مردم شما را به بردگی می‌کشم و شهرتان را ویران می‌کنم»!



اسرائیل کجاست؟

ایده‌های پان عربیسم زمانی الهام‌بخش بسیاری‌ها بود و به ایجاد اتحاد جماهیر عربی (مصر و سوریه) منجر شد، اما این تشکل حتی سه سال هم دوام نیاورد (۱۹۶۱-۱۹۵۸). تمام تلاش‌ها برای تشکیل فدراسیون‌های مختلف، شامل مصر، سوریه، سودان، عراق، تونس و لیبیا، با شکست مواجه شد. یکی از محبوب‌ترین شعارها در بین اعراب چنین است: «ملت عرب متحد است و رسالت آن جاودانه». ملی‌گراها از جمله، احزاب بعث بلافاصله آن را به عنوان یک اصل پذیرفتند (بعث- حزب سوسیالیست نوزائی عرب). شایان ذکر است با به قدرت رسیدن احزاب بعث در سوریه و عراق، سران آن نتوانستند در باره وحدت عمل و این که چه کسی باید آن رهبری کند، به توافق برسند. در نتیجه، دو «فرماندهی منطقه‌ئی» پدید آمد و روابط بین کشورهای همسایه مصداق حسن‌همجواری نشد. صدام حسین در سال ۱۹۷۳، یک لشکر زرهی برای کمک به سوریه فرستاد که دمشق را نجات داد – واحدهای پیشرو ارتش اسرائیل هنوز در ۴۰ کیلومتری پایتخت سوریه بودند. در سال ۱۹۹۱، یک لشکر تانک سوریه برای مقابله با بغداد به «ائتلاف» تحت رهبری امریکا پیوست.

عرب‌ها به رغم داشتن یک دشمن مشترک، مدام با یکدیگر جنگیدند: مصر با لیبیا، لیبیا با سودان، عربستان سعودی و امارات با یمنی‌ها – این فهرست ادامه دارد. در سال‌های جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از راکت‌های عملیاتی تاکتیکی ۱۴۸۱، ساخت شوروی که از لیبیا و سوریه دریافت کرده بود، برای حمله به بغداد استفاده کرد. در سال ۱۹۸۰، نیروی هوایی اسرائیل با استفاده از یک کریدور هوایی که توسط عربستان سعودی باز شد، به تأسیسات هسته‌ئی عراق حمله کرد...

در میان فلسطینی‌ها نیز وحدت وجود ندارد. در سال ۲۰۰۶، اختلافات شدید به درگیری مسلحانه منجر گردید. در اثر وقوع درگیری بین گروه‌های سیاسی اصلی فلسطینی الفتح و حماس، بیش از ۶۰۰ شبه‌نظامی در کمتر از یک سال از هر دو طرف کشته شد. اغلب درگیری‌های مسلحانه اساساً در نوار غزه رخ داد که در جون ۲۰۰۷ به زیر کنترل

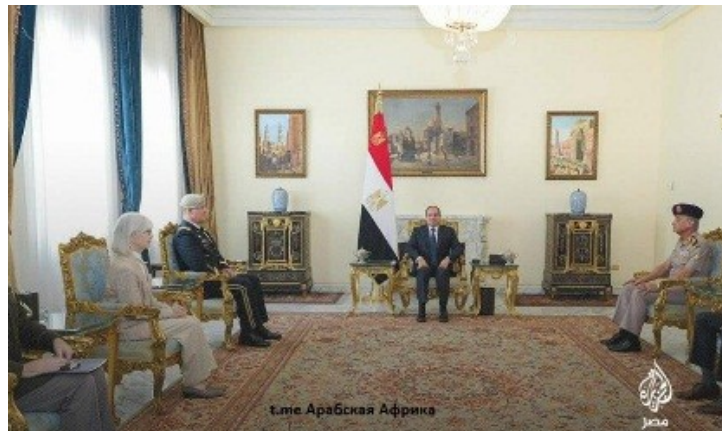
کامل حامیان حماس در آمد. خودمختاری در کرانه باختری تحت کنترل فتح باقی ماند و روابط بین رهبری دو سازمان برجسته فلسطینی، به بیان ساده، تیره شد.

محمود عباس، رهبر فتح، بارها اعلام کرده است که حماس «نماینده تمام مردم فلسطین نیست». رد این مدعا دشوار است. اما در این مورد لازم است بپرسیم: پس، چه کسی نماینده فلسطین است؟ آخرین انتخابات ریاست جمهوری فلسطین در سال ۲۰۰۵ و انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۷ برگزار شد. دوره ریاست جمهوری محمود عباس در سال ۲۰۰۹ به پایان رسید و تعدادی از فلسطینی‌های سرشناس اخیراً در یک سخنرانی مشترک اعلام کردند: «عباس و حلقه سیاسی او هیچ مبنائی برای نمایندگی مردم فلسطین و مبارزه ما برای عدالت، آزادی و برابری ندارند».

در اسرائیل بسیار خوب می‌دانند که اتحاد امت عرب تخیلی است و بنابراین، در کمال وقاحت، احساس اعتماد به نفس می‌کنند. جرم بی جزا باعث سهل‌انگاری می‌شود و نیروی هوائی اسرائیل بدون هیچ توجهی به لبنان، از حریم هوائی آن به سوریه حمله می‌کند. نه تنها تأسیسات نظامی، حتی زیرساخت‌های غیرنظامی را نیز مورد حمله قرار می‌دهد. طی هفته گذشته دو بار به فرودگاه‌های بین‌المللی دمشق و حلب حمله کرد.

امروز، در حالی که میلیون‌ها عرب در راهپیمائی‌ها و اعتراضات در سراسر جهان شرکت می‌کنند، ارتش اسرائیل همچنان به طور روشمند باقی‌مانده‌های نوار غزه را به خاکستر تبدیل می‌کند. پس از کشته شدن صدها فلسطینی در بیمارستانی در غزه در ۱۷ اکتوبر که بیشتر آن‌ها زن و کودک بودند، رهبران کشورهای عربی تاکنون ده‌ها رایزنی، «جلسات اضطراری» برگزار نموده و با عصبانیت این جنایت را محکوم کرده و از کشورهای پیشرو خواسته‌اند تا کشتارها را متوقف کنند. با این حال، نه اردن و نه مصر هیچ تمایلی برای پذیرش آوارگان فلسطینی نشان ندادند و پس از چهار روز مذاکرات فشرده، ۲۰ کامیون حامل مایحتاج اولیه برای ۲ و نیم میلیون نفر به جنوب غزه راه یافت، که با یک فاجعه انسانی مواجه شده‌اند.

«اجلاس صلح درباره غزه» با مشارکت نمایندگان بیش از ۳۰ کشور در ۲۱ اکتوبر، در قاهره برگزار شد. این جلسه همانطور که انتظار می‌رفت، بی‌نتیجه پایان یافت - حتی بر روی یک بیانیه نهائی نیز توافق نشد. بیانات ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن را می‌توان نتیجه حساب کرد. او اظهار داشت: «پیامی که جهان عرب می‌شنود پر صدا و واضح است. ارزش زندگی فلسطینی‌ها کمتر از اسرائیلی‌ها است. اهمیت زندگی ما از زندگی دیگران کمتر است». باید اضافه کرد که نه اسرائیل و نه امریکا- یعنی طرف‌هایی که سناریوی اقدامات بعدی به آن‌ها بستگی دارد، در «اجلاس» شرکت نکردند.



رئیس جمهور مصر (وسط) و فرمانده فرماندهی مرکزی امریکا (چپ)

علاوه بر این، روز قبل از اجلاس، جنرال مایکل کوربلا، فرمانده فرماندهی مرکزی امریکا (CENTCOM)، در یک «سفر کاری» از قاهره دیدن کرد. او مورد استقبال عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهور مصر قرار گرفت و به گفته مرکز مطبوعاتی ریاست جمهوری، «طرفین بر تمایل خود به تقویت مشارکت ستراتیژیک بین مصر و امریکا تأکید کردند. رئیس جمهور السیسی بر اهمیت تلاش های مشترک جامعه بین المللی برای مهار وضعیت بحرانی در نوار غزه و توقف آن تأکید کرد. کارشناسان نظامی حدس می زنند که مسأله حمایت لجستیکی مصر از اقدامات گروه نیروی بحری امریکا که در حال نزدیک شدن به صحنه جنگ احتمالی است و همچنین مقابله با «نیروهای خارجی»، در وهله اول ایران، تا مسدود شدن کانال سوئز برای عبور «کشتی ها و شناورهای نامطلوب» موضوع مذاکرات آنها بوده است.

اسرائیل و غرب از احتمال ورود ایران به درگیری بشدت نگران بودند. اما، نگرانی آنها زمانی برطرف شد که نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد گفت: «اگر اسرائیل به عملیات زمینی در نوار غزه دست بزند، نیروهای مسلح ایران وارد جنگ نخواهند شد، مگر این که تل ابیب به خاک ایران حمله کند». شکی نیست که اسرائیل این پیام را گرفته است.

مأخوذ از: [وبسایت بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۵ آبان-عقرب ۱۴۰۲